

بسم الله الرحمن الرحيم

◇ یادداشت سردبیر

دو مورد از قوانین رانگانانان، که همه کتابداران کم و بیش با آنها آشنا هستند یا دست کم آن را شنیده‌اند می‌گوید: "هر کتاب خواننده‌اش" و "هر خواننده کتابش". در بدو امر و به ظاهر ممکن است تفاوت این دو چندان آشکار نباشد، اما رانگانانان در واقع دو رسالت کاملاً متمایز، ولی همراه، برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی قائل شده است. این دو بیان از دو منظر کاملاً متفاوت به کتاب نگریسته است: یکی نگرش جامعه‌گرایانه است و دیگری نگرش فردگرایانه. در بیان اول، کتابخانه‌ها در سیاستگذاری و تعیین استراتژی‌های گزینش مواد و منابع و مجموعه‌سازی، در چارچوب اهداف پیش‌بینی شده خود چنان عمل می‌کنند که مراجعان بالقوه کتابخانه به مواد اطلاعاتی خود دست یابند. در این نگرش فرد خاصی مورد نظر نیست، بلکه براساس مخاطبانی که از پیش برای کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی تعریف شده مجموعه‌ای فراهم می‌آید، براساس همان مخاطبان گزینش صورت می‌گیرد، کمیته انتخاب تشکیل می‌شود، و حتی سطوح معرفتی و تخصصی و نیز میزان زبان‌دانی با توجه به چنین مخاطبان مفروضی پیش‌بینی می‌گردد. اینکه مفروضات تا چه پایه در عمل با توفیق همراه بوده در ارزیابی‌های مستمر و با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون، از جمله کنش‌پژوهی روشن می‌شود.

بیان دوم - یعنی "هر خواننده کتابش" - به یکایک مراجعان بالفعل و به عنوان افرادی که هر یک خواست و نیازی کاملاً متمایز و متفاوت با دیگری دارد می‌نگرد. در این نگرش، هر فرد به عنوان صاحب شناسنامه‌ای مشخص مطرح است: چه می‌خواهد؟ دامنه دانش و تخصص او چیست؟ مواد اطلاعاتی خود را به چه زبانی می‌طلبد؟ تکیه بر چه نوع محمل اطلاعاتی دارد؟ و جز آن. این نوع ارائه خدمات همان است که امروزه با عبارت "اشاعه اطلاعات گزیده" از آن یاد می‌کنیم. در این نگرش، هر فرد پایگاه کوچکی خاص خود دارد، این پایگاه در واقع صندوق پستی اوست که آنچه قبلاً طلب کرده است وارد آن می‌شود و طبق رویه و روند تعریف شده و مورد توافقی پیوسته روزآمد می‌گردد. صاحب چنین پایگاهی نه تنها از پایگاه ویژه خود بهره‌مند

می‌شود، بلکه به عنوان یکی از مخاطبان پیش‌بینی شده‌ی واحد اطلاع‌رسانی از کل مجموعه نیز استفاده می‌کند.

این دو مورد از قوانین رانگاناتان - نظیر کل مجموعه قوانین او - در همانند و همراه بودنشان معنای واقعی مدیریت اطلاعات را متجلی می‌سازند. هیچ یک بدون دیگری نمی‌تواند دسترسی جامع به اطلاعات را تأمین کند. در واقع، اشاعه‌ی اطلاعات عام و اشاعه‌ی اطلاعات گزیده دوشادوش یکدیگر، آزادی دستیابی به اطلاعات را تحقق می‌بخشد. به عبارت دیگر، در مدیریت واحدهای اطلاع‌رسانی نگرش جامعه‌گرایانه و فردگرایانه، به مثابه دو نوع استراتژی همراه، می‌تواند اهداف کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت اطلاع‌رسانی را محقق سازد، زیرا یکی به مخاطبان بالقوه می‌اندیشد و دیگری به مخاطبان بالفعل. و چون هر نظام اطلاع‌رسانی، ناگزیر به هر دو عنصر بالقوه و بالفعل به طور همزمان سروکار دارد؛ طبعاً سیاستگذاری در عرصه‌ی گردآوری و ارائه خدمات نیز می‌بایست با توجه به این همزمانی باشد.

عباس خُزَی